

رویکرد تفکر کلامی در زمینه‌ی اخلاقیات زیستی اسلامی

عبدالعزیز ساشادینا^۱

مترجم: اکبر شهریوری

چکیده

اختلاف نظر در اخلاقیات زیستی در غرب، ریشه در اختلاف در حدود بسط و توسعه‌ی قواعد هنجاری در میان فرهنگ‌های مختلف دارد. شاید به واسطه‌ی هنجارهای یاد شده بتوان اعمال انسان را به نحوی تحت عناوین ضروری، غیرمجاز و مجاز دسته‌بندی کرد که مورد تصدیق همگان قرار گیرد.

در جهان اسلام نیز در میان مقالات متفاوتی که از سوی علمای اسلامی در خصوص چارچوب اخلاقیات زیستی اسلامی منتشر شده است تا کنون هیچ‌گونه کاوش جامعی در طبیعت مباحث کلامی - اخلاقی اسلام که خود نتیجه توسعه سیستم فقهی - اخلاقی اسلام است، صورت نگرفته است و به عبارت دیگر رویکرد توصیفی و نه تحلیلی این مقالات در خصوص مباحث اصول قانون‌گذاری‌های پزشکی در اسلام با اخلاقیات کلامی - فلسفی و نحوه‌ی تاثیر آن در فقه پزشکی در دوران معاصر سازگاری ندارد. پرسش‌های اخلاقی در مباحثات معاصر نیازمند پاسخ به پرسش‌های مهم‌تری است که شالوده‌ی اصلی سلوک اخلاقی را در اسلام تشکیل می‌دهند و صرفاً بیان فتوای فقهی در خصوص مسایل و مصادیقی نظیر سقط جنین، اهدای عضو و نظایر آن کافی به نظر نمی‌رسد. در میان فقه‌های مذاهب گوناگون شریعت اسلام درباره‌ی این مسایل، هیچ‌گونه اجماعی وجود ندارد. از این‌رو به نظر می‌رسد در مفهوم میان فرهنگی اخلاقیات زیستی، آثار علمای اسلام با یک تحقیق منظم در اصول و قوانین اساسی و راهنمای اخلاق عملی در سنت اسلامی که ریشه در علم کلام دارد به شکل قابل توجهی غنی و پربارتر خواهد شد.

۱. استاد دین‌شناسی و اخلاق زیستی دانشگاه تورنتو، عضو انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی، عضو افتخاری انجمن علمی حقوق پزشکی ایران و استاد افتخاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی

شهید بهشتی، (نویسنده‌ی مسؤول) Email: aas@virginia.edu

واژگان کلیدی

اخلاقیات زیستی اسلامی؛ تفکر کلامی؛ حجیت عقل

رویکرد تفکر کلامی در زمینه‌ی اخلاقیات زیستی اسلامی

در کشورهای غربی، پس از انتشار کتابی درباره‌ی غنی بودن اخلاقیات کلامی اسلام و پیوند ذاتی آن با کلام عقل‌گرا و طبیعی مسیحی - یونانی توسط «جرج. اف. حورانی» و «ماجد فخری» این مبحث، به‌طور جدی مورد توجه قرار گرفت. آنچه در خصوص اخلاقیات اسلامی در کشورهای اسلامی دیده می‌شود غالباً اخلاقیات ارسطویی است نه اخلاقیات کلامی که از طریق پژوهش‌های ساختارشکنانه حورانی در مورد عقاید یکی از متکلمان معتزلی به نام «قاضی عبدالجبار اسدآبادی» انجام گرفته است. اخلاقیات ارسطویی آن‌گونه که در جهان اسلام تدریس می‌شود در ارتباط با تکامل حیات معنوی و به عنوان بخشی از نظام اخلاقی و روحانی فردی محسوب می‌شود. آنچه تاکنون به‌عنوان اخلاقیات اسلامی ارایه شده است حاوی اطلاعات اندکی از اخلاق به‌عنوان نظامی است که درصدد شناخت تصمیمات اخلاقی مبتنی بر دلیل اخلاقی است. در حال حاضر تمام نظریه‌های اخلاقیات هنجاری به دنبال پاسخ به این سؤالند که چه دلایلی وجود دارد که کاری را از نظر اخلاقی خوب یا بد بدانیم؟ آیا می‌توانیم خصوصیات و ویژگی‌هایی برای افعال خوب و بد ارایه نماییم و چگونه با استفاده از آن‌ها به داوری اخلاقی موجه می‌رسیم. اخلاقیات ارسطویی با تأکید بر فضیلتی که فرد باید کسب کند یا رذایلی که باید از خود دور کند خود را به‌عنوان یک نظریه‌ی فاعل محور مطرح می‌کند در حالی که آنچه در اخلاقیات کلامی مد نظر است حوزه‌ی عمل و قاعده‌محوری آن است. اخلاقیات ارسطویی با تأکید بر نقش کنشگر اخلاقی، دلیل اخلاقی را نیز در وی جستجو می‌کند، در حالی که در اخلاقیات کلامی، تأکید بر اصول اخلاقی یا آثار و نتایج مترتب بر آن است.

این نکته درخور توجه است که اخلاقیات ارسطویی می‌تواند با پرورش صفات اخلاقی در فرد، انگیزه‌ی فعل اخلاقی را توجیه کند ولی در قیاس با سایر نظریه‌های اخلاقی، صرفاً یک نقش تکمیلی دارد و پاسخ‌گوی نیاز جامعه در حوزه‌ی اخلاقیات نیست.

۱. ماهیت مباحث اخلاقی اسلام

تبیین قوانین و اصول اخلاقی حاکم بر تصمیمات اخلاقی برای تصویری دینی از بینشی که بر پایه‌ی عقل بنا نهاده شده است، در مناظره‌ی معاصر در خصوص اخلاقیات زیستی میان فرهنگی، لازم و ضروری است. تمام فرهنگ‌ها دارای اصول اخلاقی مشترکی نظیر نیکی و احسان، شفقت، صداقت و نظایر آن می‌باشند و به قواعدی همچون راستگویی و رازداری به‌عنوان عناصری ضروری در تنظیم رابطه‌ای مسئولانه بین پزشک و بیمار نیازمندند. با وجود این، مجادلات جهانی مهمی بر مسائلی همچون حق زن برای سقط جنین، عدم تبعیض نژادی، رعایت حقوق اقلیت‌های دینی و قومی و احترام به خودمختاری فرد که در تضاد با ملاحظات اخلاقی جمعی است اصرار می‌ورزند. حال این سؤال مطرح می‌شود که چه نوع از منابع اخلاقی که در اختیار اقوام مختلف قرار دارد می‌تواند منجر به بحث اخلاقی مشترک و حتی شاید راه حلی برای مباحثات جهانی در زمینه‌ی اخلاقیات زیست پزشکی گردد؟

مسلمانان درباره‌ی معنای وحی دیدگاه‌های متفاوتی دارند. بر اساس یکی از این نگرش‌ها، قرآن کریم به شکل کنونی‌اش در برهه‌ای از زمان و در مکانی خاص نازل شده است و از این رو فرمان‌های الهی منعکس‌کننده‌ی اوضاع و احوال تاریخی همان زمان می‌باشد. عده‌ای دیگر معتقدند، قرآن کریم وابسته به زمان و

مکان خاصی نیست. اکثر مسلمانان اهل سنت هرگونه تفسیری از قرآن کریم را که مبتنی بر متغیرهای تاریخی و فرهنگی است رد می کنند. در کشورهای اسلامی، علمای دینی در تبادل نظر و تنظیم سیاست های جدید سلامت ملی در چارچوب فقه و اخلاق اسلامی نقشی انفعالی داشته اند. فناوری های نوین و پیشرفته ی پزشکی غرب با کمترین توجه به آثار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فردی آن، اکنون در حال ورود به کشورهای دیگر است. بدون شک تأثیر این فناوری ها و تنگناهای اخلاقی ناشی از آن از مرزهای فرهنگی و جغرافیایی فراتر می رود. برخی از مسایل اخلاقیات زیست پزشکی معاصر، راه خود را به کشورهای اسلامی نیز باز کرده اند جایی که هنوز پدرسالاری و قدرت بی چون و چرای پزشکان، سبب ایجاد اقتدارگرایی مخرب و عدم توجه به خواسته ها و انتخاب های بیمار و وابستگان آنها می شود.

۲. عقل، خاستگاه مباحث اخلاقی اسلام

هنگامی که به منابع شرعی در خصوص معیارهای رفتاری و شخصیتی توجه می کنیم، این امر کاملاً مشهود است که اسلام در کنار نصوص دینی، برای تصمیمات ناشی از حالات و ویژگی های خاص انسانی نیز ارزش قایل است؛ به طوری که می توان از آن به عنوان یک منبع معتبر در اخلاقیات اجتماعی اسلام یاد کرد. پیش از این، فقهای متکلم تصدیق می کردند که نصوص دینی به تنهایی قادر به پوشش کلیه ی مسایل و مشکلات موجود در جامعه نیستند. این موارد به ویژه زمانی کاملاً احساس شد که قوانین سیاسی اسلام نیازمند قواعد جدید شهرنشینی، تجارت و نحوه ی حکومت در نظام های پیشرفته بود.

سابقاً همواره در جهان اسلام، نوعی ترس از استفاده از عقل برای استنتاج جزئیات یک حکم وجود داشت؛ بدین نحو که اگر عقل مستقل قادر است صحت و سقم یک حکم را استنتاج کند دیگر نیازی به شریعت نخواهد بود و در واقع این گونه عقل، حاکم بر فرمان‌های الهی خواهد شد بنابراین؛ اگرچه قانون مبتنی بر وحی به کمک عقل قابل شناسایی است و به انسان در پرورش بُعد اخلاقی حیات کمک می‌کند، این عقل توان کشف دلایل موجه برای یک حکم را ندارد و به همین قیاس طبیعتاً از شرح و تبیین صحت دستورهای الهی عاجز است. در واقع با بیان این دسته از فقها، توصیف ویژگی نهفته در فرامین الهی که قاعدتاً لازم‌الاجرا هستند به‌طور عینی برای انسان از طریق عقل میسر نیست. علاوه بر این، قضاوت‌های مبتنی بر عقل، نوعی تفسیر به رای محسوب می‌شود زیرا آن‌ها غالباً با یکدیگر در تضادند و صرفاً منعکس‌کننده‌ی تمایلات شخصی فقیه خواهند بود.

این تلقی از عقل کمابیش در میان علمای اسلام جریان دارد. به علت فقدان یک تشکیلات دینی رسمی که بتواند اعتبار لازم را برای تصمیمات اخلاقی - فقهی در تمامی موارد مربوط به انسان فراهم آورد بیان قصد و نیت شارع مقدس در قانون‌گذاری‌های فقهی که ارتباطی مستقیم با زندگی اجتماعی بشر دارد امری دشوار محسوب می‌گردد. فعالیت روشن‌فکرانه و عقلانی مرتبط با سنت اخلاقی - فقهی اسلام به رغم پیچیدگی‌ها و ابهاماتی که در برابر این امر قرار دارد، می‌تواند تلاشی در جهت ارتباط احکام با اهداف الهی در قالب معیارها و قوانین قرآن کریم و سنت باشد. با توجه به این که دانش ما از رویدادهای جاری و احتمال آنچه که در آینده رخ خواهد داد ناقص و نسبی است فقها قضاوت‌های اخلاقی را با احتیاط و بر اساس آنچه که به نظر می‌رسد به احتمال زیاد صحیح باشد (ظن)، ادامه می‌دهند. چنین قضاوت‌های اخلاقی‌ای معمولاً با یک فتوای صریح مبنی بر

عدم قطعیت حکم همراه است زیرا فقط خداوند است که به حقیقت امور آگاه و دانای مطلق است.

۳. حجیت عقل در استنباط احکام اخلاقی

به مرور زمان فقها توانستند دو روش برای فهم و توجیه یک تصمیم اخلاقی - فقهی معرفی نمایند. گاهی اوقات این توجیه منطقی، مستقیماً از بیانات صریح و شفاف قرآن کریم و سنت استنتاج می‌شود. در این حالت نصوص دینی، خود بیان کننده اهداف وضع قانونند. در دیگر مواقع، عقل انسان ارتباط بین حکم و علت آن را کشف می‌کند. فقها در این فرایند، نقش حقیقی و ذاتی عقل انسان را در یک تصمیم اخلاقی - فقهی پذیرفته و بر آن صحنه گذاشته‌اند. از طرفی فهم فقیه از ماهیت دانش اخلاقی بستگی به ابزاری دارد که انسان به واسطه‌ی آن به حسن و قبح اشیا دسترسی پیدا می‌کند. به عبارت دیگر این نوع استنباط به تعریف عمل انسان و درک بینش وی از حسن و قبح اخلاقی و به ارتباط آن با خواست و اراده‌ی الهی بستگی دارد. از این رو هرگونه دفاع از عقل به عنوان امری مستقل و قایم به ذات و نه امری تشریفاتی و صوری، برای استنباط احکام نیازمند تصویب وحی یعنی کتاب و سنت است. می‌توان گفت که قرآن کریم با ارایه‌ی یک دیدگاه غایت‌گرایانه از بشر، توانایی بهره‌برداری از عقل جهت کشف اراده خداوند را نیز به بشر اعطا نموده است، این امر به ویژه هنگامی که قرآن کریم بر تفکر در دلایل احکام نازل شده به همراه اطاعت از آنها تأکید می‌ورزد کاملاً مشهود است. تمامی فقهای متکلم شیعه و سنی بر این باورند که بدون تأیید وحی، عقل نمی‌تواند منبعی مستقل برای استنباط احکام اخلاقی - فقهی باشد.

این گرایش محتاطانه نسبت به عقل، ریشه در این اعتقاد دارد که دانش خداوند دربارهی رویدادها و عواقب و نتایج حاصل از آنها در هر تنگنای اخلاقی که بشر با آن مواجه است لغزش ناپذیر و بی نقص می باشد. از آنجا که توجیهات قرآن کریم و سنت در خصوص احکام فقهی - اخلاقی واقعی و زیربنایی است زمانی که فعلی با فرمان الهی واجب یا حرام می شود اطاعت از آن لازم است، حتی اگر دلایل آن برای عقل انسانی قابل فهم و اندازه گیری نباشد. برای مثال عامل مؤثر در وظیفه فرد بیمار برای جستجوی درمان پزشکی، جلوگیری از زیانی است که نهایتاً می تواند سبب مرگ وی شود. بر اساس آموزه های وحی، قداست حیات، مانع از عدم رسیدگی به وضع بیمار و ایراد خسارت جبران ناپذیر به اوست و بنابراین بشر با توجیهات صرفاً عقلی خود نمی تواند در سلب حیات فردی دیگر مشارکت داشته باشد. دستورهای الهی صرفاً بخشی از حق ویژه خداوند در مقام خالق است و این مسأله سبب اطاعت بی چون و چرا از این فرمان هاست. در این چارچوب، مخالفت با فرمان های الهی عملی غیر اخلاقی و غیر شرعی است؛ بنابراین، موضوع اصلی در تفکر فقهی یاد شده، تعیین مقبولیت و محدودیت های عقل بشر به صورتی مستقل و قایم به ذات برای اتخاذ تصمیمات اخلاقی - فقهی است.

۴. تغییر رویکرد مسایل فقهی

فقیه چنانچه بخواهد به عنوان راهنمایی برای مسلمانان به منظور پاسخ گویی به مسؤولیت های اخلاقی و دینی آنان باقی بماند با چالشی یکپارچه و قابل درک و با شرایط تغییر یافته جامعه امروز در بستر کلی اخلاقیات اجتماعی مواجه می شود. فقه اسلامی در بیان احکام زیست پزشکی نیازمند بررسی دو طیف از واقعیت های موجود است:

الف) تغییر شکل بنیادین: گاه موقعیت فرهنگی و اجتماعی، چنان دگرگون می‌شود که دیگر شباهتی با شرایط پیشین ندارد. این قسم تغییر بنیادین را در فقه اسلامی «استحاله» یا «قلب» می‌نامند. چنین تغییری منجر به تغییر در حکم می‌شود. برای مثال ترکیب اتباع مسلمان و غیرمسلمان را در کشورهای مسلمان در نظر بگیرید. در حالی که احکام سنتی شریعت، قایل به وجود تمایز در برخورد با اهل ذمه بود امروز این احکام در راستای نقض حقوق بشر که مدافع برابری همه شهروندان است به شمار می‌آید. از این رو، هرگونه سیاست مراقبت‌های سلامتی تبعیض‌آمیز مبتنی بر احکام سنتی، در تعارض با اصل عدالت در اخلاقیات زیستی قرار خواهد گرفت.

ب) تغییر شکل کارکردی: گاهی تغییری در شکل ظاهری و عرفی نمودهای یک وضعیت دیده نمی‌شود بلکه تغییر در کارکرد اجتماعی آن‌ها ظاهر می‌شود. منظور از «کارکرد اجتماعی» روش‌های استفاده از آن‌ها در جامعه است. در این تغییرات، کارکرد اجتماعی نوینی جای کارکرد قبلی را می‌گیرد یا علاوه بر کارکردهای قبلی، کارکردهای نوینی را ایجاد می‌کند. در این جا مثال مربوط به تبعیض جنسیتی در فقه سنتی به وضوح، نشان‌دهنده‌ی تغییر در کارکرد اجتماعی زن به عنوان نان‌آور خانواده و حقوق و مسؤولیت‌های او همانند مرد در ارتقای سلامت عمومی در همه ابعاد است.

مثالی دیگر در این خصوص، مربوط به منع خرید و فروش خون در نظام سنتی شریعت اسلام است. بسیاری از فقها، بر این مبنا که خون نجس است و هیچ منفعت یا استفاده‌ی مشخص عقلایی از آن متصور نیست حکم بر حرمت معامله‌ی آن داده‌اند. این نظر مطابق با نظر متداول در بسیاری از احادیث است که به وضوح، خرید و فروش اشیای نجس را منع می‌کند. چنین برداشتی با توجه به عدم

امکان استفاده از خون برای انتقال آن به دیگری در صدر اسلام قابل درک است. در فرهنگ اقوام عرب قبل از اسلام، خون برای مداوای انواع خاصی از بیماری‌ها استفاده می‌شده است و در طب سنتی نیز کاربردهایی در این خصوص داشته است. با وجود این، اسلام به سبب آسیبی که از این رویه‌ها منتج شد، خرید و فروش خون را حرام کرد.

امروزه خون مایعی مفید تلقی می‌شود و حتی در موارد انتقال آن، مصارف حیات بخشی نیز وجود دارد. از این رو، خرید و فروش خون و حتی اهدای آن، طبق نظر برخی از فقها جایز است. در بین شیعیان، اهدای خون در روز عاشورا در بسیاری از کشورهای اسلامی مرسوم است و امری بسیار پسندیده و مستحب تلقی می‌گردد. امروزه خون را می‌توان در بهترین وضعیت بهداشتی نگهداری نمود و در صورت نیاز بدون هیچ‌گونه ضرری برای گیرنده، آن را منتقل کرد. به عبارت دیگر، با تغییر و پیشرفت در جامعه و فرهنگ موادی که زمانی مضر و بی‌فایده تلقی می‌شدند هم اکنون بسیار مهم و برای حیات انسان ضروری به شمار می‌آیند. از همین رو فتاوای سابق به منظور مطابقت با وضعیت موجود تغییر یافته‌اند. مصادیق بسیار دیگری در مورد تغییر وضعیتی بر دکتترین سنتی وجود دارد. این دگرگونی‌ها در تغییرات ایجاد شده در شریعت که خود از تغییر فرهنگی و اجتماعی متأثر می‌گردد آشکار است. برای مثال هم اکنون از نظر اکثریت فقها اهدای عضو در زمان حیات یا انتقال آن از بدن میت به یک فرد زنده جایز است. توجه به این نکته حایز اهمیت است که برخی از فقها که مخالف چنین فتواهایی هستند، مخالفتشان در اغلب موارد، ناشی از فقدان اطلاعات فنی و پایبندی مطلق به نص قوانین شرعی است.

۵. نسبت فرهنگی در ارزش‌های اخلاقی

ارزش‌های اخلاقی با تطبیق خود با اوضاع و احوال اقتصادی و سیاسی موجود، به دنبال مشروعیت فرهنگی‌اند. بر همین اساس، این ارزش‌ها در فضای نسبت فرهنگی ایجاد می‌شوند اما عقل انسان برای قضاوت‌های اخلاقی صحیح نیازمند اطلاعات تجربی است. این اطلاعات مبتنی بر فرهنگ هر جامعه است و لذا پیش فرض‌های اخلاقی، نشأت گرفته از آداب و رسوم هر جامعه است. در واقع حتی نظریه‌های اخلاقی عینی‌گرا که اعتباری فرافرهنگی برای استانداردهای اخلاقی قایل است شامل جنبه‌ای از نسبی‌گرایی اجتماعی و عرفی است. به همین نحو، مجادلاتی علیه جهانی‌سازی یک نظریه اخلاقی زیستی واحد در کنفرانس‌های ملی و بین‌المللی اخلاقیات زیست پزشکی شنیده می‌شود با این استدلال که این امر، ذاتاً یک گفتمان اخلاقی تکثرگرا است.

با این حال اخیراً حرکتی روشنفکرانه در حال شکل‌گیری است که هدف آن جستجوی اخلاقیات فرافرهنگی است با این امید که بتواند بر تناقضات اخلاقی نسبی‌گرایانه‌ی فرهنگی در حوزه‌ی حقوق بشر و اخلاقیات زیست پزشکی غلبه کند. همچنین اجماعی رو به رشد در جامعه‌ی بین‌المللی وجود دارد که به دنبال ایجاد یک چارچوب فرهنگی بر پایه اصول و قوانین اخلاقی است به نحوی که قادر باشد علما، متکلمان و سیاست‌گذاران حوزه‌ی سلامت را در این گفتمان پر ثمر وارد کند. به علاوه اخیراً حرکتی علمی در خصوص توسعه‌ی اخلاقیات میان فرهنگی مبتنی بر اصول اخلاقی شکل گرفته است که نشان می‌دهد از طریق قابلیت‌های جهانی‌سازی ویژگی‌هایی از انسان که از لحاظ اخلاقی بهم مرتبطند و نه هنجارها و دستورهای اخلاقی، امکان صحبت درباره‌ی اصول و قواعد اخلاقی فرافرهنگی وجود دارد. با این اصول می‌توان به یک ارزیابی و قضاوت اخلاقی

مشترک نایل آمد. سیستم‌های فرافرهنگی اخلاقی می‌توانند با پشت سر گذاشتن موانع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع، گفتمان جدیدی را درباره‌ی نگرانی‌های ناشی از حقوق بیماران آغاز نمایند. در همین راستا، اخلاقیات اسلامی که بر مبنای اصول وظیفه‌گرایی و غایت‌گرایی شکل گرفته است می‌تواند سیستم متمایزی با همان ویژگی فرافرهنگی و قابل گفتمان ایجاد نماید که در ارزیابی مشکلات حوزه‌ی اخلاقیات زیست‌پزشکی اسلامی ما را یاری دهد. نقش عقل در تبیین این سیستم بنیادی است. حتی با اعتقاد به این امر که خداوند به واسطه‌ی وحی، منشاء زندگی شرعی را در چارچوب شریعت بیان نموده است تحصیل یک حکم و کاربرد آن به واسطه‌ی دلایل عقلی است که در تفکر اخلاقی به کار گرفته می‌شود. این تفکر اخلاقی به حالات ویژه‌ی انسان توجه دارد. به عبارت دیگر، شریعت، قانون‌گذاری‌های خود را از تجارب مختلف و متنوع فرهنگی و تاریخی مسلمانان و غیرمسلمانان به وجود آورده است که در نواحی مختلف جهان اسلام زندگی می‌کردند. شریعت، استقلال سیستم‌های اخلاقی دیگر را در دایره‌ی نفوذ و تاثیر خود به رسمیت می‌شناسد، بدون این که رأی خود را به دیگران که اعتقادات و تجربیات فرهنگی متفاوتی دارند تحمیل نماید. مهم‌تر آن که تفاسیر متفاوتی از سیستم اسلام در جامعه از همان ابتدا به رسمیت شناخته شده است. در غیاب یک تشکیلات رسمی و سازمان‌یافته‌ی دینی و همچنین یک بدنه‌ی رسمی کلامی که اختیار تام در بیان عقاید دینی برای تمامی آحاد جامعه داشته باشد اسلام به‌طور ذاتی و ماندگار، ماهیت تکثرگرایانه‌ی خود را در تفکر و توجیهات اعمال اخلاقی حفظ نموده است؛ بنابراین هنگامی که سخن از کاربرد ویژه‌ای از اصول و قوانین در خصوص مسایل اخلاقی جدید نظیر حق زن برای سقط جنین حاصل از تجاوز یا زنا به میان می‌آید این امکان وجود دارد که شاهد نظرات فقهی متفاوتی باشیم.

۶. اخلاقیات غایت‌گرا و وظیفه‌گرا

اعتقادات عینی‌گرایانه فیلسوفان اسلامی و متکلمان معتزلی، هر دو در حوزه‌ی نظریه‌های اخلاقی غایت‌گرا و وظیفه‌گرا قرار می‌گیرند. در نظریه‌ی غایت‌گرا، ارزش واقعی افعال، با توجه به میزان تأثیر و کارایی آن‌ها در تحقق اهداف مشخص می‌شود. بنا به قول حورانی، فیلسوفان یونان باستان پس از «سقراط» نقطه‌ی آغازین کار خود را بر فرجام و سعادت افراد قرار داده و توجه کمی به تعهدات و وظایف آن‌ها نشان داده‌اند. آنان بر این باور بوده‌اند که برای هر فرد، غایتی ذاتی و فراگیر وجود دارد که به آن سعادت می‌گویند. آنان تلاش می‌کردند نشان دهند که چگونه اهداف ناقص جزئی از آن هدف بزرگ‌تر یا ابزار رسیدن به آن می‌باشند. نکته‌ی اساسی در مباحث آنان این بود که حیات توأم با فضیلت، کلید سعادت به شمار می‌آید اما نه به این دلیل که مستقیماً سبب اعطای پاداش می‌گردد؛ کما این که تجربه خلاف آن را ثابت کرده است، بلکه به این دلیل که ثبات قدم در این گونه اعمال و رفتار، سبب خلوص و شفافیت روح انسان می‌شود.

در هسته‌ی اخلاقیات یونانی، تلاش جهت نشان‌دادن نوعی رابطه علی به چشم می‌خورد که نشانگر این بود که چگونه اتخاذ شیوه‌های معینی در زندگی، سبب ایجاد تغییراتی در خود فرد و حتی در سایر افراد از طریق آموزش یا بدآموزی از آن فرد می‌شود. این توصیفات را می‌توان با اندکی مسامحه در خصوص درجات ارواح در جهان آخرت نیز صادق دانست. این ساختار، مبتنی بر فرض علیت طبیعی بود که فیلسوفان یونانی و متکلمان اسلامی هر دو به آن اعتقاد داشتند. در مقابل این تفکر، متکلمان اشعری که رابطه‌ی علیت طبیعی را انکار می‌کردند و فقط خداوند را علت ایجاد پدیده‌ها می‌دانستند زنجیر اسباب و مقاصدی را هم که منجر به فعل اخلاقی می‌شد در این چارچوب تفسیر می‌کردند. بنابراین، در فقدان

هرگونه دانش نسبت به روابط علی، هیچ دلیل عقلی مستقل که صرفاً بر اساس غایت افعال بنا نهاده شده باشد، نمی‌تواند نشان دهد که کدام یک از افعال انسان منجر به رضا یا غضب خداوند می‌شود.

هر دو گروه شیعه و معتزله، عمل را بر اساس نظریه‌ی وظیفه‌گرایی و فقط بر اساس ویژگی‌های آن و بدون رجوع به نتایج آن تعریف می‌کنند و بدین نحو از عقیده‌ی غایت‌گرایی اجتناب می‌ورزند. اگرچه واژگان اصلی آن‌ها در مبحث اخلاق، توانایی عقل در تشخیص افعال حَسَن و قبیح و کسب یقین در خصوص طریق نیل به مقاصد را تأیید می‌کند، ایشان مفاهیم «ضروری»، «حَسَن» و «قبیح» را به طور کامل در ارتباط با مقاصد و غایات نمی‌دانند. «ضروری» عملی است که ترک آن از سوی فاعل، مستحق سرزنش است. «قبیح» عملی است که انجام آن توسط فاعل، سرزنش‌شدن وی را به دنبال دارد و «حَسَن» عملی است که انجام آن، فاعلش را مستحق تحسین می‌کند. سرزنش را هر فرد دارای عقل سلیم بدون توجه به نتایج آن فعل درک می‌کند؛ چنانچه سرزنش در اعمالی چون خودکشی و طفل‌کشی، صرف‌نظر از نتایج حاصل از آن قابل درک است. چرخش سریع معتزلیان در نظریه‌ی اخلاقی از غایت‌گرایی به وظیفه‌گرایی احتمالاً به دلیل اهمیت زیاد تکلیف در اندیشه‌ی اخلاقی - فقهی اسلام بود.

۷. مطلق‌گرایی و نسبی‌گرایی اخلاقی

در شریعت اسلامی، بر اهمیت تکالیف مبتنی بر وحی تأکید شده است. این تکالیف آن‌گونه که شریعت بیان می‌دارد باید به دلیل یک توافق قراردادی بین خداوند و بشر انجام پذیرد. انسان به عنوان مخلوق خداوند باید با اطاعت از فرمان‌های خداوند در خدمت اهداف او باشد. خداوند نیز در مقابل اطاعت

بندگانش، وعده‌ی پاداش می‌دهد. از این‌رو بر اساس موازین عدل که شریعت گویای آن است هر فرد آنچه را دریافت خواهد کرد که مستحق آن است. در چنین رابطه‌ی قراردادی میان خداوند به عنوان ولی نعمت و انسان به عنوان بنده، تکلیف، نقشی محوری دارد. از این‌رو شیعیان و معتزلیان تکلیف را منحصرأ در قالب منافع فرد و نتایج خوب آن تقسیم نمی‌کردند بلکه آنان به ماهیت جنبه وظیفه‌گرایی در اخلاق نیز اهمیت می‌دادند. آنان معتقد بودند که افعال به علت ویژگی نهفته در ذات آن‌ها الزام‌آور می‌شوند. وفای به عهد، صداقت و عدالت از نمونه‌های بارز این ویژگی هستند.

دیدگاه شیعه و معتزله در اخلاقیات این است که انسان با عقل سلیم خود می‌تواند با توان شهودی و بدون کمک نصوص دینی، حسن و قبح برخی اعمال را تشخیص دهد. گزاره‌های اخلاقی، توصیف‌کننده ویژگی‌های واقعی و عینی افعالند. با وجود این، قضاوت‌های اخلاقی صرفاً باید بر اساس ارزش‌های بدیهی موجود در افعال پایه‌گذاری شوند.

قبل از رسیدن به تصمیم نهایی، نخست لازم است که جنبه‌های مختلف یک فعل به‌طور مجزا بررسی شود و سپس هر کدام نسبت به دیگری مورد ارزیابی قرار گیرد. این فرایند منجر به نتایج گوناگونی می‌شود زیرا شرایط متفاوتی در این امر لحاظ شده است. صرف‌نظر از جنبه‌های بدیهی یک فعل اخلاقی و علی‌رغم وجود یک ارزش تغییرناپذیر در آن، تأملات اخلاقی در اشکال متفاوت از اعمال، ضرورتاً کارایی لازم جهت استنتاج حکمی صریح و شفاف را ندارند و به همین علت است که قضاوت تمامی افراد عاقل در خصوص خوب و بدهای اخلاقی یکسان نیست اما هنوز این امکان وجود دارد که از ویژگی‌های مطلق مربوط به یک عمل اخلاقی بتوانیم، مجموعه‌ای کامل از قوانین اخلاقی جهان شمول را

استنباط کنیم، به نحوی که هر فرد بتواند، ارزش اخلاقی هر عملی را در هر موقعیت، از طریق تفکر سیستماتیک مبتنی بر حقایق عینی نهفته در آن شناسایی کند.

برخی از اشاعره، ویژگی عینی بودن مفاهیم اخلاقی مورد قبول معتزله را انکار نمی کردند بلکه تمرکزشان بر مخالفت با ویژگی اطلاق بود. آنان در برخی از افعال این خصوصیت را نسبی و فرعی می دانستند و بر این اساس معتقد بودند که احکام اخلاقی نه مبتنی بر نفس اعمال است و نه بر مبنای صفاتی است که عقلاً قابل دسترسی است. به عبارت دیگر، آنان در معرفت اخلاقی از مطلق گرایی به نسبی گرایی متمایل شدند، با آن که از نگاه معتزله، این مسأله تقابل واقع گرایی و ذهن گرایی بود. در حالی که برخی از افعال دارای حُسن و قبح ذاتیند و عقل سلیم بدون در نظر گرفتن شرایط نسبی، موافق این امر است اشاعره بر این نکته اصرار داشتند که می توان تعاریفی نسبی از حسن و قبح ارایه نمود.

۸. روش شناسی توصیه های اخلاقی

خاطر نشان ساختن این مطلب ضروری است که جستجوی فقهی که با هدف صدور فتوا صورت می پذیرد از لحاظ معرفتی به تنهایی جهت ایجاد و اطمینان کافی پیرامون ارایه ی راه حل نهایی برای مسایل پیچیده ی اخلاقی کافی به نظر نمی رسد.

به منظور تأکید بر تفاوت های روش شناختی ظریفی که میان اشکال اخلاقی و تأملات فقهی وجود دارد دو نمودار زیر ارایه می گردد. در نمودار نخست، شیوه ی فقهی استنباط یک فتوای فقهی جدید از آرای فقهی فقهای پیشین نشان داده شده است. نمودار دوم نیز روش اخلاقی نیل به یک توصیه معقول و محتاطانه را نشان می دهد.

همان‌طور که در این دو نمودار مشاهده می‌شود، تأملات اخلاقی و فقهی هر دو به دنبال وجود سابقه‌ای در منابع شرعی و مجموعه فقهی‌اند (اصل) تا راه حلی برای موارد نوظهور استنباط نمایند (فرع). این جستجویی دو سویه است؛ بدین معنا که از اصل به فرع و از سنت به تجدد در حال حرکت است. نتیجه‌ی تحلیل موضوعات فقهی، «حکم» نامیده می‌شود که متضمن دستورهای جهت اجراست؛ در حالی که نتیجه تحلیل‌های مربوط به مسایل اخلاقی، پیشنهاداتی موقتی جهت تأمین توصیه‌ای است که می‌تواند پیچیدگی‌های موضوع را آشکار سازد و روند عمل را توجیه نماید.

نمودار ۱. الگوی صدور حکم فقهی

جستجو به دنبال یک اصل = الگویی در سنت = کبرای قضیه

مثال: خرید و فروش خون بر اساس منابع شرعی

↓ ↑
مورد جدید = فرع = صغرای قضیه

مثال: نیاز به فروش خون

↓
حکم = اجازه فروش خون

نمودار ۲. الگوی تصمیم‌گیری اخلاقی

جستجو در خصوص سوابق مشابه به جهت تأمین اجازه عمومی (اصل)

مثال: اهدای اسپرم بدون رابطه زوجیت در IVF

↓ ↑
بررسی کلیه‌ی اجزاء و مؤلفه‌های مورد حاضر (فرع) با تأکید بر دلالت‌های اخلاقی - فقهی

انتساب کودک به اهداء کننده اسپرم در سیاق فرهنگی - اجتماعی

↓
نتیجه‌ی مشروط

اگر اهدا کننده اسپرم شوهر قانونی زن نباشد در توصیه به اجازه‌ی احتمالی آن باید احتیاط نمود. از طریق اطلاعات و تحقیقات بعدی با ضرورت تعیین نسب پاک کودک، احتمال بازنگری و جلوگیری از اهدای اسپرم وجود دارد.

نتیجه

بحث و جدل درباره‌ی معرفت‌شناسی اخلاقی در میان مذاهب شیعه و سنی در مباحث کنونی آنان همچنان ادامه دارد. این بحث به ارایه‌ی طریقی جدید برای جستجوی ارزش‌های اخلاقی مطلق و جهان‌شمول مستقل از وحی می‌پردازد. چنین ادعایی بدون تأکید بر نقش ذاتی عقل در تشخیص حسن و قبح به‌صورت عینی و واقعی به سختی قابل حمایت خواهد بود. به همین علت امروزه نیز این امر برای اکثریت متکلمان و فقهای اهل سنت قابل پذیرش نیست. این عدم پذیرش، سبب بحرانی معرفت‌شناختی در بررسی‌های اخلاقی فقهی پیرامون مسایلی خارج از فقه سنتی می‌گردد. تحقیقات اخیر روشنفکران دینی و ارایه‌ی پیشنهادهای آنان در خصوص حل این بحران نیز به‌عنوان رویکردی سکولار به اخلاقیات اجتماعی در نظر گرفته شده است.

اجتهاد شرعی حاکم بر شکل‌گیری روابط بین افراد، فقه اسلامی را به جای پژوهش در اخلاقیات کلامی که سرشت انسان و توانایی آن در عهده‌دار شدن مسئولیت اعمال آگاهانه و ارادی را تحت شرایط مختلف ارزیابی می‌کند به سمت پژوهش در نصوص دینی سوق داده است. همین فقدان رشد انسانی که قادر به درک صحیح از غلط است؛ سبب می‌شود احکام فقهی در زیست پزشکی مغایر معیارهای بین‌المللی کرامت انسانی و کنشگر اخلاقی خودمختار شود. به نظر می‌رسد تأکید بر ارزش معرفتی عقل شهودی اعطاشده‌ی الهی که قادر به مشارکت

در یک گفتمان اخلاقی درونی با وجدان فرد است برای رسیدن به تصمیمی معقول در خصوص مسایل مهم مرتبط با زندگی و مرگ ضروری باشد. بدون شک، هیچ امری به جز تثبیت مقام عقل به عنوان شریک واقعی وحی نمی تواند مباحث اخلاقی قرآن کریم را به جایگاه صحیح آن برگرداند. احیای مجدد دین در میان مسلمانان در گرو حمایت از این رویکرد است.

فهرست منابع

- Edvin R. Dubose, Roland P. Hamel and Laurence J. O'Connell, *A matter of principles, Valley Forge*: Trinity Press International, 1994.
- G.I. Serour and Zaki Hassan, *Principles of Health Care Ethics*, ed. Raanan Gillon and Ann Lloyd, Chichester UK and New York; John Wiley and Sons, 1994.
- Vardit Rispler-Chaim, *Islamic Medical Ethics in the Twentieth Century*, Leiden: E. J. Brill, 1993
- G. Hourani, *Islamic Rationalism*, Oxford, 1972
- Majid Fakhry, *Ethical Theories in Islam*, Leiden E.J. Brill, 1991
- Majid Fakhry, *Philosophy, Dogma and the Impact of Greek Thought in Islam*, Brookfield, VT: Variorum, 1994
- A. J. Arberry, *Avicenna on Theology*, London: J. Murray, 1961
- Mohammad Hashim Kamali, *Principles of Islamic Jurisprudence*, Cambridge: Islamic Texts Society, 1991

یادداشت شناسه‌ی مؤلف

پروفسور عبدالعزیز ساشادینا: استاد دین‌شناسی و اخلاق زیستی دانشگاه تورنتو، عضو انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی، عضو افتخاری انجمن علمی حقوق پزشکی ایران و استاد افتخاری مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، نویسنده‌ی مسئول

نشانی الکترونیکی: aas@virginia.edu

اکبر شهریوری: عضو پیوسته‌ی انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی، پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، مدیر گروه حقوق داروسازی انجمن علمی حقوق پزشکی ایران و عضو هیأت مدیره کمیته اخلاق در علوم و فناوری کمیسیون ملی آیسسکو

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۶/۱۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۹/۵